حدیث نهم

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ، عَنْ أَبِیهِ، عَنِ النَّوْفَلِیِّ، عَنِ السَّکُونِیِّ، **عَنْ أَبِی عَبْدِ اللّٰهِ ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ : إِذَا بَلَغَکُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ، فَانْظُرُوا فِی حُسْنِ عَقْلِهِ؛ فَإِنَّمَا یُجَازیٰ بِعَقْلِه».**

**اول: مراد از حسن حال دراین روایت چیست؟**

مراد اعمالی است که در ظاهر افراد دیده می‌شود.

**دوم: معنای حسن عقل در این روایت چیست؟**

نیکی و حسن فعل، زمانی ارزیابی می‌شود که دارای حسن فاعلی باشد. امام سجاد در دعای مکارم‌الاخلاق سه مورد از حسن فاعلی؛ ایمان، یقین و نیت را بیان می‌کند.

در قرآن کریم، نمازگزار تقبیح شده است نه أصل نماز؛ **ویل للمصلین**...

**آثار حسن عقل:** صدق و مروت و حیاء و حلم و...

**امیرالمؤمنینمی‌فرماید: النّاسُ علی أربَعَةِ أصنافٍ :**

**مِنهُم مَن لا یَمنَعُهُ الفَسادُ فی الأرضِ إلاّ مَهانَةَ نَفسِهِ و کَلالَةَ حَدِّهِ و نَضیضَ وَفرِهِ ...**

**مِنهُم مَن یَطلُبُ الدُّنیا بعَمَلِ الآخِرَةِ و لا یَطلُبُ الآخِرَةَ بعَمَلِ الدُّنیا، قَد طامَنَ مِن شَخصِهِ، و قارَبَ مِن خَطوِهِ، و شَمَّرَ مِن ثَوبِهِ، و زَخرَفَ مِن نَفسِهِ للأمانَةِ، واتَّخَذَ سِرَّ اللّه ِتعالی ذَریعَةً إلَی المَعصیَةِ**

**و مِنهُم مَن أبعَدَهُ عَن طَلَبِ المُلکِ ضُؤولَةُ نَفسِهِ، و انقِطاعُ سَبَبِهِ، فقَصَرَتهُ الحالُ علی حالِهِ، فتَحَلّی باسمِ القَناعَةِ، و تَزَیَّنَ بلِباسِ أهلِ الزَّهادَةِ، و لَیسَ مِن ذلکَ فی مَراحٍ و لا مَغدی...**(نهج البلاغه/خ32)

مردم چهار دسته‌اند:

دسته اوّل: کسانی هستند که آنچه آنان را از تبهکاری، فتنه و فساد در زمین بازمی‌دارد، ضعف درونی، کندی شمشیر و کمی مال و ثروت است.

دسته دوم: ربطی به محل بحث ما ندارد.

دسته سوم: کسانی‌اند که دنیا را با کارهای مربوط به آخرت می‌طلبند، اما قصد ندارند آخرت را با کارهای دنیایی به دست آورند. آنان با خم‌کردن سر و برداشتن قدم‌های کوچک، خود را فروتن و باوقار نشان می‌دهند. دامن‌های خود را جمع می‌کنند تا ظاهر پاکی از خود بسازند، به امانت‌داری و درست‌کاری تظاهر می‌کنند و راز دین خدا را وسیله‌ای برای ارتکاب گناه قرار می‌دهند.

دسته چهارم: کسانی‌اند که ضعف و زبونی و نداشتن اسباب و امکانات، آنان را از طلب مقام و ریاست بازداشته است. چون کاری از ایشان برنمی‌آید، وضعیت کنونی‌شان را قناعت می‌نامند و خود را در لباس زاهدان درآورده‌اند. اما در واقع، شب و روز بی‌قرار و ناآرام‌اند و اهل زهد و قناعت نیستند.

**سوم: معیار ارزیابی شخص، حسن عقل است.**

حسن عقل، در سنجیده صحبت‌کردن و سنجیده عمل‌کردن است؛ **قال مولانا امیرالمؤمنین: ...لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ یَتَکَلَّمَ بِکَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِی نَفْسِهِ، و...** (نهج‌البلاغه/خ 176) مؤمن هنگامی که آهنگ گفتن کند، نخست در درون خود در آن بیندیشد...

**وَ قَالَ : لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ کُلَّ مَا تَعْلَمُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَی جَوَارِحِکَ کُلِّهَا فَرَائِضَ یَحْتَجُّ بِهَا عَلَیْکَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ.** (نهج‌البلاغه/ح 382) چیزی را که نمی‌دانی مگوی، حتی بسیاری از چیزهایی را که می‌دانی، بر زبان میاور. زیرا خدا بر اعضای تو احکامی واجب کرده که در آن روز به آنها بر تو حجت آورد.

* **آنچه از روایات برداشت می‌شود این است که حسن فعلی، مبتنی بر حسن فاعلی است.**

حدیث دهم

مُحَمَّدُ بْنُ یَحْییٰ‌، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنَانٍ، قَالَ: **ذَکَرْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللّٰهِ رَجُلاً مُبْتَلیً بِالْوُضُوءِ وَ الصَّلَاةِ، وَ قُلْتُ‌: هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ، فَقَالَ أَبُوعَبْدِ اللّٰهِ : «وَ أَیُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ یُطِیعُ الشَّیْطَانَ ؟!» فَقُلْتُ لَهُ‌: وَ کَیْفَ یُطِیعُ الشَّیْطَانَ؟ فَقَالَ : «سَلْهُ‌: هٰذَا الَّذِی یَأْتِیهِ مِنْ أَیِّ شَیْ‌ءٍ هُوَ ؟ فَإِنَّهُ یَقُولُ لَکَ‌: مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ» .**

مباحث پیش رو

1. **فرد وسواس از شیطان تبعیت می‌کند.**
2. **وسوسه و وسواس دلیل بی عقلی است.**
3. **وسوسه کار شیطان است.**